



# وجدان چیست؟

منشور یا نظام ارزشی اخلاقمند هر فرد وجدان آن فرد است



فرید سیاوش



بحث وجدان بحث جالبیست اما پیش از آنکه به چیستی وجدان به حیث یکی از داشته ها و داده های ذهن بپردازم لازم است مکث کوتاهی روی مغز و ذهن داشته باشیم. مغز انسان و شناخت پیچیدگی های خاص آن همواره برای بشر جذاب بوده است. همواره انسان یک نمونه شگفت انگیز برای شناخت به شمار میرود و موارد بی شماری در مورد انسان ناگفته باقی مانده است.

**مغز** بمثابة مرکز کنترل بدن از هر کامپیوتر و ماشین های هوشمند ساخت انسان، بینهایت پیچیده تر است. مغز علاوه بر عضو مسوول به کار انداختن بدن، مرکز تمام تصمیم گیریها، تفکرات و احساسات ماست. علوم و هنر ها همه از مغز بشر سرچشمه گرفته اند. منشاء تمام فرآیند های زندگی مغز است. مغز تمام دانسته های ما را نگهداری می کند و ما را قادر می سازد، تا از میلیونها اطلاعاتی که در آن ذخیره شده، موضوع مورد نظر را انتخاب کنیم و به خاطر بیاوریم. کار تنظیم قلب و سایر اعضای بدن به عهده اوست. مغز از طریق اعصاب، همواره پیامهایی را دریافت می کند و دستورات لازم و حیاتی را صادر می کند.



در مغز انسان حدود ۱۰۰ میلیارد سلول مغزی و ۱۶۰/۱۰۰۰ کیلومتر رگخونی وجود دارد که بصورت یک شبکه بسیار پیچیده با یکدیگر در ارتباط هستند. محاسبات نشان می‌دهد که در حدود ۱,۰۰۰,۰۰۰ میلیارد

ارتباط، نقطه به نقطه میان سلول یا یاخته‌های مغزی در مغز انسان وجود دارد. این ارتباطات توسط جریان برقی صورت می‌گیرد. مغز ما بین ۱۰ تا ۲۳ وات برق تولید می‌کند.

## ذهن چیست؟

مغز، حیثیت سخت افزار را دارد که با نرم افزار ذهن کار میکند. ذهن یعنی نمای معنوی و عملکرد بی نظیر مغز است. ذهن انسان شامل دو قسمت می باشد:

- ذهن هوشیار ( Conscious Mind ) یا ذهن خودآگاه
- ذهن نیمه هوشیار ( Subconscious Mind ) یا ذهن ناخودآگاه

ذهن هوشیار یا ضمیر خودآگاه فقط هنگام بیداری فعال است و اعمال ارادی انسان را کنترل می کند. در صورتی که ذهن نیمه هوشیار یا ضمیر ناخودآگاه از چهار ماه قبل از تولد فعال بوده و کلیه اعمال غیر ارادی انسان تحت کنترل اوست. قسمت بزرگ و ناپیدای درون ما ضمیر ناخودآگاه انسان است. مسئولیت بخش عظیمی از وقایع زندگی به عهده ضمیر ناخودآگاه است. ضمیر ناخودآگاه گوش به فرمان ضمیر خودآگاه و تحت رهبری و فرماندهی سیستم خودآگاه ذهن انجام وظیفه می کند.

**خود آگاه،** منطق محور است اما **ناخود آگاه** منطق محور نیست. نمی شود گفت بی منطق است، در حقیقت منطق خاص و پنهان خود را دارد.

خود آگاه؛ گذشته، حال و آینده را مد نظر دارد در حالیکه ناخود آگاه فقط زمان حال را متوجه میشود. ذهن هوشیار یا خود آگاه دارای کنش و واکنش ارادی می باشد. اما عملکرد های ناخود آگاه غیر ارادی است. فرق آن با ضمیر آگاه در آنست که ضمیر ناخود آگاه در مورد هیچ چیز تجزیه و تحلیل یا منطق گرایی یا منطق ورزی نمیکند. ذهن نیمه هوشیار یا ناخود آگاه قدرت تشخیص خوب و بد را ندارد.

زمانیکه ما تخیل میکنیم در واقع در حال ارتباط با ضمیر ناخود آگاه خود میباشیم. ضمیر ناخود آگاه هرچه را که از او بخواهیم انجام میدهد و محدودیتی برای آن متصور نیست، مگر آنکه ما حدودی بر اساس باورهای مان برای آن مشخص کرده باشیم

## وجدان چیست؟

وقتی پای دغدغه های اخلاقی پیش می آید؛ وجدان بر مسند داوری جلوس میکند. **وجدان** را برخی ها به عنوان بخشی از روان انسان و آگاهی اخلاقی تعریف کرده اند. اما در حقیقت وجدان منشور یا نظام ارزشی سازمان یافته و کود شده در ذهن است که هنگام پندار، گفتار، کردار و داوری، توسط ذهن آگاه



بکار گرفته شده و رفتار فرد را کنترل میکند. این ارزش های میتواند فردی یا اجتماعی، اخلاقی و ایدیالوژیک باشند و از یک اجتماع و جامعه تا اجتماع و جامعه دیگر از یک فرد تا فرد دیگر از شرایطی تا شرایط دیگر فرق داشته باشد. حتی میان انسانها که باور ها و ایدیولوژی های متفاوت را برگزیده اند یا در شرایط متفاوتی بزرگ شده اند؛ متفاوت می باشد. اگر کوتاه تر و فشرده تر بیان کنم؛ منشور یا نظام ارزشی اخلاقمند هر فرد وجدان آن فرد است که توسط ذهن هوشیار یا آگاه بکار گرفته میشود. و این ارزشها آمیزه ای از احساس، عواطف و شناخت است که با جوهر عقلانیت پالایش یافته اند.

وجدان به ذات خود نه قابلیت است و نه داوری درونی یک فرد که خوب و بد یک کردار یا یک موضوع یا مساله را بیان کند. داوری کردن قابلیت و کار ذهن هوشیار یا ضمیر آگاه است بر بنیاد نظام ارزشی سازمان یافته یا همان وجدان در فرد. وجدان یعنی تجلی شخصیت درونی فرد هنگام قضاوت کردن است.

اگر رفتاری که از انسان سر می زند مطابق منشور یا نظام ارزشی (وجدان) فرد باشد آن فرد احساس رضایت می کنند. و اگر کنش او مغایر با نظام ارزشی فرد باشد فرد احساس ناخشنودی کرده و در جهت اصلاح رفتار خویش بر می آید. و حتی اطرافیان آن فرد از کردار و قضاوتش راضی و یا ناراض میشوند.

وجدان بدینگونه شکل میگیرد که خانواده از دوران کودکی ارزشهای خود را به کودکان می آموزند. در کنار خانواده کودک ارزش های دیگری را نیز از خویشاوندان، هم بازی ها، محیط زیست، مدرسه و ورزشگاه و... کسب می کند. به این ترتیب مجموعه ای از ارزش ها در ذهن ناآگاه فرد شکل می گیرد این ارزشها با یکدیگر رابطه متقابلی بر قرار کرده و یک نظام ارزشی یا یک منشور اخلاقی درونی را به وجود می آورند که کنش فرد تحت تأثیر آن نظام ارزشی شکل می گیرد. و اگر کنشی مغایر با نظام ارزشی فرد از او سر بزند فرد کنش خود را اصلاح کرده و در راستای نظام ارزشی خود هدایت می کند. بنابراین نظام ارزشی شکل گرفته در افراد همان چیزی است که در زبان عامیانه به آن وجدان می گویند.

یکی از قابلیت های مهم ذهن هوشیار، داوری یا قضاوت کردن است. داوری در مورد خوب و بد یا درست و نادرست، حق و ناحق یک مساله یا یک فرد توسط ذهن آگاه با مراجعه به نظام ارزشی فرد که در جریان سالهای زندگی در ذهن ناخودآگاه کود گذاری و سازمان یافته اند؛ صورت میگیرد.

هیچکس بی وجدان نیست؛ همه دارای یک نظام ارزشی سازمان یافته و کود شده در ذهن خود است که ذهن هوشیار آن فرد بر پایه آن داشته ها قضاوت میکند و تصمیم میگیرد؛ شاید با آن موافق باشیم یا بر اساس نظام ارزشی خود مخالف آن قضاوت و یا کردار. وقتی ارزشهای متفاوت باشند؛ وجدان ها نیز متفاوت و داوری های متفاوت میشوند.

## ارزشهای ما وجدان ما را شکل میدهند!

